تقریظ منظوم بر منظومه خسته آقای امیری فیروزکوهی

آشتیانی، اسمعیل

امیرا،ای امیر نکته‏سنجان‏ که بر هر نکته،چون عیسی دمی جان‏ شفای زخم دلها مرهم تست‏ دم روح القدس اندر دم تست‏ چو اسرافیل،بر لب نفخهء صور نشور شعر را از تست این شور چه سوزی در دلت ای جان پاکست؟ که اشعار تو اینسان سوزناکست‏ تو آن نالان نیی کز هر سرودی‏ بر آری نالهای رود رودی‏ نواهای نیت ما را بهر بند چون برق آتش بخرمن اندر افکند غزل،چون نافه‏ات خونی فسرده است‏ که از آن آتشن دل آب خورده است‏ سرشتند از کدامین گل دل تو؟ که آتش خیزد از آب و گل تو!! چو آتش بر کشتی از دل زبانه‏ سماور نامه را سازی بهانه‏ سماور چون دلت کی دود دارد سماور کی بر آتش عود دارد سماور را بدل دودی کشنده است‏ ولی ما را دل،از دود توزنده است‏ ندارد آن،ره اندر پردهء راز تو از راز نهانی،پرده پرداز زبان تست کاندر این فسانه‏ کشد از سینه بیرون صد زبانه‏ کند سوز تو این افسانه‏سازی‏ شرار تست گرم دلنوازی

1 \*\*\*

ز مجمر،باد خاکستر فشاند فروزان آتش اندر جای ماند بسا ابیات سرد سست بنیاد که طوفان حوادث داده بر باد تو کز ابیات محکم همچو کوهی‏ ز طوفان حوادث،کی شکوهی، توئی،ای آتش رخشنده جاوید که جاویدان بود رخشنده خورشید بدل،جوش از سماور نامهء تست‏ سخن را پختگی از خامهء تست‏ دم گرم تو دارد گرم جانرا زبان شعلهء آتش زبانرا